

قصه قدیمی امکان‌گذار مسالمت‌آمیز!

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

هویتی از آن جمله‌اند. خصلت دموکراتیک این مرحله همین واقعیت است که طبقه متوسط امروزه به منزله حضوری قدرتمند و تعیین‌کننده در بسیاری از این جنبش‌ها در کنار طبقه‌کارگر قرار می‌گیرد و چگونگی بهره‌وری از این ائتلافات تنها بستگی مبرم به کارگشتگی رهبری انقلابی در همبستگی جنبش‌های مذکور و تشکیلات انقلابی طیف‌های گوناگون طبقه‌کارگر و نحله‌های متفاوت ایدئولوژیک و تشکیلاتی آن دارد.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا حاکمیت، سلطه سیاسی و دولت را در چنان فضایی دو دستی تقدیم ما می‌کند و از صحنه محو و ناپدید می‌شود! پاسخ من دو بخش دارد و نگاه نخستین بر می‌گردد به آینده سرمایه‌داری در سطح جهانی که بی‌شک و طبق کلاسیک‌های مارکسیسم نیز مرحله انتقالی سوسیالیسم را طی می‌نماید ولی به محض رسیدن به جهان پیرامونی ما مواجه می‌شویم با بازمانده‌های دنیای قدیم. مواجه می‌شویم با عقب ماندگی‌های عظیم که حضور یک جنبش و حاکمیت دموکراتیک را مطرح می‌نماید. اگر دنیا حتی برای برقراری سوسیالیسم محتاج عمل مشترک کلیه کشورهای اقل پیشرفته و صنعتی است و در جهان پیرامونی ما با جریانی سیال و پروسه‌ای طولانی و انقلابی - اجتماعی روبرو می‌شویم که سدهای عقب ماندگی‌های اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را از سر راه برداریم. آیا در این مرحله هم به باور برخی سوسیال‌دموکرات‌های شرمنده، سرمایه‌داران و ماشین دولتی آن به راحتی و صلح و صفا قدرت سیاسی را دو دستی تقدیم زحمتکش‌ان می‌کنند! پاسخ من منفی است و معتقدم که حتی در مرحله دموکراتیک، ایران‌ها و سازه و ساختار انقلاب دموکراتیک و رهبری آن با مبارزه‌ای مستمر و بی‌امان روبرو میشوند. از طرفی ارتجاع داخلی مداوم ضربه می‌زنند و از سویی اربابان خارجی آنها را در محاصره می‌گیرند. که برای روشن‌گری در این خصوص ذکر مثالی ضروری میشود.

امروز سلطه سرمایه‌داری در سطح جهانی و با سیطره جهانی سازی امپریالیستی و فرهنگ خارجی ستیزی، تمایلات نژاد پرستانه و ماورای ناسیونالیستی و ضد هویتی تعریف می‌شود. سیطره بخش مالی سرمایه‌داری از جهان، دهکده‌های سوزان و در بحران ساخته و می‌رود که فقر و گرسنگی و بی‌آینده‌گی افزون تر را نصیب اکثریت مردم روی زمین کند و در همان حال چنان تخریبی همه جانبه و بمنظور انباشت سرمایه از محیط زیست ما به عمل آورده که ضایعات آن و در دراز مدت کمتر از بحران گرسنگی، جنگ‌های نیابتی و در بدری عمومی نخواهد بود. برخی خوش دارند سرمایه‌داران را به عوام‌فریبان و پوپولیست‌ها نزدیک کنند ولی ماهیت و عملکرد آنها همان فاشیسم را تداعی می‌کند که بدون محلل‌های خود در طبقه متوسط و سوسیال‌دموکراسی و سوسیال‌دموکرات‌ها هرگز قادر به تأمین و تداوم سلطه خود نیستند. من معتقدم که نه اکنون گاه برقراری و کمونیسم است و نه چشم اندازی به عمل کرد مشترک پیشرفته ترین کشورهای سرمایه‌داری و اتحاد و عملکرد تشکیلاتی آنها برای برقراری سوسیالیسم. آیا نتیجه این دو تصویر باید ما را راهی همدستی و همکاری با سلطه سرمایه‌داری و یا در جهان پیرامونی (ایران‌ها) و هنوز دنبال اصلاحات تروریست‌ها.

در کالبد شکافی مسئله سلطه سرمایه‌داری در عصر کنونی نکته ظریفی خود نمایی می‌کند که زاویه دید ما را نسبت به قربانیان این سلطه ضد بشری تدقیق و بصورت کنکرت در می‌آورد.

این مسئله ظریف هم حضور قربانیان دیگری جز مفهوم کلاسیک طبقه‌کارگر است بویژه در کشورهای پیرامونی. اگر مراجع کلاسیک تنها طبقه‌کارگر را عامل تحول و توسعه و انقلاب و تغییرات ساختاری میدانند ولی امروز و با سلطه بربریتی به نام ارتجاع داخلی و مناسبات جهانی سرمایه‌داری، خرده جنبش‌های عظیمی در سطوح اجتماع و زیر پوست ساختار تحولات بعدی موجود است. جنبش زنان، بیکاران، دانشجویان، محیط زیست و جنبش‌های محلی و قومی و

معتقدین گذار مسالمت‌آمیز به سوسیالیسم و حتی در کشورهای شمالی و پیشرفته صنعتی، تصویری غیر واقعی‌ارایه می‌دهند که بله در پروسه‌ای طولانی و تدریجی زحمتکشان در ائتلاف با متحدین و جنبش‌های دیگر، سرمایه‌داری را در انزوا قرار می‌دهند. با جاری‌کردن تدریجی ساز و کار کنترل‌های از نوع دموکراتیک‌کاری می‌کنند که سازه اقتصادی اجتماع از دست و سلطه سرمایه‌داران خارج و مزدبگیران با صلح و صفا براریکه قدرت سیاسی تکیه می‌زنند! این تصویر غیر واقعی از رویارویی طبقاتی جدا ما را با جهانی مصنوعی و بازیگرانی مصنوعی تر و پرو می‌کند. نتیجه چنین خیال‌پردازی همان میشود که تاکنون، زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی معتقدین به این تصاویر ذهنی را ساخته است. منظور هم‌کاری با وضع موجود و بدنبال اصلاحات همین سیستم برآمدن، چرا که قرار است ما با فعالیت‌های تدریجی خود اصلاحات اقتصادی را به سرمایه‌داری و سرمایه‌داران تحمیل کنیم. که قرار است چنان بال و پر بگیریم و سلطه بربریت هم بنشیند و چون طفلی بی‌خبر از همه جا شاهد اوج‌گیری تشکیلات کنترل عمومی کارگران و همزمنی اقتصادی - سیاسی آنها باشد و دست از پا خطا نکند! من معتقدم که این بزک دوزک‌کردن همان سوسیال دموکراسی امتحان پس داده است و نه چیز دیگری.

اندیشه عقب‌راندن تدریجی سرمایه‌داری و سپس آچمز نمودن

آن و گذار مسالمت‌آمیز به مرحله‌ای عالی‌تر (سوسیالیسم) تاریخچه غم‌باری را رقم زده است. عبارت پردازی‌هایی این چنین و سوسیال دموکرات مابانه که در جهان جنوب به "راه رشد غیرسرمایه‌داری" و در شمال به گذار تدریجی ترجمه شده، نتایج فاجعه‌بار و مشترکی را داشته است. نتیجه‌اش بازی در بساط امپریالیستها در کشورهای شمالی و همدستی با ارتجاع و دیکتاتوریه‌ها در ممالک پیرامونی بوده است. طرفه اینکه سرمایه‌داری و بازوی سرکوبی آن هرگز بیکار نمی‌نشیند تا شاهد رشد تشکیلات و اندیشه‌رهای مزدبگیران باشد. نبرد طبقاتی ادامه دارد و امپریالیستها لحظه‌ای در سرکوب دشمنان طبقاتی خود و هر چند به قیمت نابودی بشریت، درنگ نمی‌کنند. ذهنی‌گری سوسیال دموکرات‌ها در بهترین حالت و در امثال کشوری شمالی چون سوئد مقابل چشم ماست. آنجا هم اصلاح‌گران مناسبات سرمایه‌داری در همکاری با آریستوکراسی کار (اشرافیت کارگری) چنین رویای شیرینی را آغاز نمودند ولی دو صد سال هم که بگذرد، مجدداً بازی و طراحی بدست بورژوازی خواهد ماند. که نیل به ساختار سوسیالیسم که آینده بشریت است فاصله‌های نجومی از ذهنیات رویایی روشنفکران مدرسه‌ای دارد و نبردی طبقاتی در تمام تصاویر آن شاخص چنین‌گذاری بوده و خواهد بود.
